

Designing and Validating the Optimal Model of Religious Responsibility of the Students in Elementary School Curriculum

Masoumeh Kazemi¹ | Shahram Ranjdoost² | Mohammad Ali Mojalal Chopoqlou³

Abstract

Responsibility is one of the important cultural and social goals of education, which is also emphasized in the teachings of Islam. The important goal of education for educating future generations is to institutionalize the responsibility of individuals to fulfill various responsibilities in their lives in the dimensions of society, family and themselves. The main purpose of this study is to design and validate the optimal model of student responsibility in the elementary school curriculum. This research is applied in terms of purpose and in terms of mixed method is exploratory type, which was used to design the desired model, qualitative method and to validate the proposed model, quantitative method was used. The statistical population for the design of the desired model, the background of internal and external research, theoretical foundations, global experiences and existing models in the field of research, as well as semi-structured interviews with 15 curriculum planning specialists and for the validation of the desired model, consisting of curriculum planning specialists with criteria such as The PhD degree had practical experience as well as writing articles and books in the field of research. Theoretical sampling was purposive and criterion-oriented. The data collection tool was a questionnaire to design the desired model using the Aker model and to validate the proposed model. The method of analysis of the results was descriptive-analytical inference and the synthesis research method and one-sample t-test were used. Based on the face-to-face interview of the target persons, according to the ten elements of Aker from the results of the face-to-face interview, open coding, central coding, selective coding was done, and qualitative content analysis according to Aker's theory with conclusions and obtaining responsibility components based on theoretical foundations. , written and research background was obtained. Then, according to the ten elements of Ekr, synthesis research was done. Finally, the findings show that the ideal model of the responsibility curriculum based on the theoretical foundations and the curriculum consists of three dimensions (social, ethical, legal, environmental and political), main categories (cognitive, emotional, creativity and skill), and the ten elements of Ekr, which according to the experts and curriculum planning experts, the results of the T-test exam of the internal validity evaluation samples of the designed model showed that the opinion of the experts is related to the evaluation with the level of meaning It has a value of 0.001 and at the alpha level of 0.01 it was significantly higher than the average level ($P < 0.01$), it was recognized as valid. Therefore, in this research, an attempt was made to design a suitable model for the students' responsibility curriculum in such a way that its components have the necessary interaction with each other, and the said model can provide the necessary practical results at the time of implementation, and finally, by validating the model proposed by the experts, showed that according to the curriculum model, especially in the curriculum of students' responsibility, there is a logical connection between the studied areas and the elements of the curriculum.

Keywords: Design, Accreditation, Accountability, Curriculum.

55

Vol. 15
Summer 2022

Research Paper

Received:
5 February 2021
Accepted:
31 July 2021
P.P: 365-381

ISSN: 2251-6972
E-ISSN: 2645-5196



DOR: 20.1001.1.22516972.1401.30.55.12.9

1. Ph.D. Candidate, Department of Curriculum Planning, Marand Branch, Islamic Azad University, Marand, Iran
2. Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Curriculum Planning, Marand Branch, Islamic Azad University, Marand, Iran. Dr.ranjdoost@gmail.com
3. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Banab Branch, Islamic Azad University, Banab, Iran.

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۳۹۹/۱۱/۱۷

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۰/۵/۹

صص: ۳۶۵-۳۸۱

شاپا چاپی: ۶۹۷۲-۲۲۵۱

الکترونیکی: ۵۱۹۶-۲۶۴۵



DOR: 20.1001.1.22516972.1401.30.55.12.9

طراحی و اعتباریابی الگوی مطلوب مسئولیت‌پذیری دینی دانش‌آموزان در برنامه درسی دوره ابتدایی

معصومه کاظمی^۱ | شهرام رنج‌دوست^۲ | محمدعلی مجلل چوپقلو^۳

چکیده

مسئولیت‌پذیری یکی از اهداف فرهنگی و اجتماعی مهم تعلیم و تربیت است که در آموزه‌های دین اسلام نیز بر آن تأکید شده است. هدف مهمی که آموزش و پرورش برای تربیت نسل‌های آینده دارد، نهادینه نمودن مسئولیت‌پذیری افراد است تا مسئولیت‌های مختلف را در زندگی خود در ابعاد جامعه، خانواده و خود ایفا نمایند. هدف اصلی تحقیق حاضر طراحی و اعتباریابی الگوی مطلوب مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان در برنامه درسی دوره ابتدایی است. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از لحاظ روش آمیخته از نوع اکتشافی است که برای طراحی الگوی مطلوب، از روش کیفی و برای اعتباریابی الگوی پیشنهادی از روش کمی استفاده شد. جامعه آماری برای طراحی الگوی مطلوب، پیشینه تحقیقات داخلی و خارجی، مبانی نظری، تجربیات جهانی و الگوهای موجود در زمینه پژوهش و همچنین مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۱۵ نفر از متخصصان برنامه‌ریزی درسی و برای اعتبارسنجی الگوی مطلوب، متشکل از متخصصان برنامه‌ریزی درسی با ملاک‌هایی مانند مدرک تحصیلی PhD، دارای تجربه عملی و همچنین تألیف مقالات و کتب در زمینه پژوهش بود. نمونه‌گیری نظری از نوع هدفمند و ملاک‌محور بود. ابزار گردآوری اطلاعات برای طراحی الگوی مطلوب با استفاده از الگوی اکسپلور و اعتباریابی الگوی پیشنهادی پرسشنامه بود. روش تجزیه و تحلیل یافته‌ها توصیفی-تحلیلی استنتاجی بوده و از روش سنتزپژوهی و آزمون ۴ تک‌نمونه‌ای استفاده شد. بر اساس مصاحبه حضوری از افراد موردنظر، طبق عناصر ده‌گانه اگر از نتایج مصاحبه حضوری انجام یافته، کدگذاری باز-کدگذاری محوری-کدگذاری انتخابی صورت گرفت و تحلیل محتوای کیفی با توجه به نظریه اگر با نتیجه‌گیری و به دست آمدن مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری بر اساس مبانی نظری، مکتوب و پیشینه تحقیق به دست آمد. سپس با توجه به عناصر ده‌گانه اگر سنتزپژوهی انجام شد. در نهایت یافته‌ها نشان می‌دهد که الگوی مطلوب برنامه درسی مسئولیت‌پذیری بر اساس مبانی نظری و برنامه درسی متشکل از سه بخش ابعاد (اجتماعی، اخلاقی، قانونی، محیط‌زیست و سیاسی)، مقوله‌های اصلی (شناختی، عاطفی (احساسی)، خلاقیت و مهارت)، و عناصر ده‌گانه اگر است که از نظر صاحب‌نظران و متخصصان و کارشناسان برنامه‌ریزی درسی نتایج آزمون تی تک نمونه‌های ارزیابی اعتبار درونی الگوی طراحی شده نشان داد که نظر متخصصان مربوط به ارزیابی با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱ و در سطح آلفای ۰/۰۱ به‌طور معنی‌داری بیشتر از حد وسط بوده است ($P < 0/01$) معتبر تشخیص داده شد؛ بنابراین در این پژوهش تلاش شد طراحی الگوی مناسب برای برنامه درسی مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان به نحوی انجام گیرد که اجزای آن با یکدیگر تعامل لازم را داشته و الگوی مذکور بتواند در زمان اجرا، نتایج کاربردی لازم را ارائه نماید و در نهایت با اعتبارسنجی الگوی پیشنهادی متخصصان بیان نمودند که با توجه به الگوی برنامه درسی به‌ویژه در برنامه درسی مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان بین حوزه‌های مورد مطالعه و عناصر برنامه درسی ارتباط منطقی وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: طراحی؛ اعتباریابی؛ مسئولیت‌پذیری؛ برنامه درسی.

۱. دانشجوی دکتری تخصصی برنامه‌ریزی درسی، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران.

۲. نویسنده مسول: استادیار، گروه برنامه‌ریزی درسی، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران.

Dr.ranjdoust@gmail.com

۳. استادیار، گروه علوم تربیتی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران.

مقدمه

در جوامع امروزی نقش خانواده و مدرسه در تکوین شخصیت دانش‌آموزان، نقشی تعیین‌کننده و بنیادی است چرا که با پیچیده شدن مسائل اجتماعی و فرهنگی و پیشرفت تکنولوژی، این نقش در تکوین شخصیت، اساسی‌تر است. یکی از مسائل تربیت که در عملکرد و روحیه افراد نقش تعیین‌کننده‌ای دارد اصل مسئولیت‌پذیری است. انسان مسئول با عملکرد اثربخش خویش به عنوان فردی کارآمد است که در او امکان اقدام به رفتارهای منفی کاهش می‌یابد (کردلو، ۱۳۸۷: ۵).

از دیرباز در مورد توصیف و تبیین رفتارها و صفات انسانی در میان دانشمندان اختلاف نظرهایی وجود داشته است، از این‌رو اصطلاح مسئولیت‌پذیری نیز به عنوان یکی از ویژگی‌های انسان از یک طرف و کاربرد گسترده و کاربران مختلف از طرف دیگر یک اصطلاح بسیار دشوار برای تعریف است (اسقف^۱، ۲۰۱۰)، برای مثال از نظر فروید^۲ انسان مسئول اعمال و رفتار خود نیست، بلکه تمام رفتارها را نیروهایی تعیین می‌کنند که در درون انسان قرار دارند. در حالی که آدلر^۳ بر مسئولیت فردی و اجتماعی تأکید دارد (خدابخشی و عابدی، ۱۳۸۸). به همین دلیل تعاریف مسئولیت‌پذیری نیز یکسان نیست، مثلاً از دیدگاه وجود‌گرایان، مسئولیت‌پذیری به معنای متعلق بودن انتخابها به خود ما و برخورد صادقانه با آزادی است و در نظریه گشتالت درمانی، مسئولیت‌پذیری یعنی اتکاء بر توانایی خویش جهت انتخاب کردن است (شارف^۴، ۱۳۹۶). شولزهارت و سروکرونینگ و فری^۵ (۲۰۰۹) معتقدند؛ مسئولیت‌پذیری اشاره به خلق و خوی قابل اعتماد، هشیار، مسئول و منظم دارد و فرد مسئولیت‌پذیر در هنگام مواجهه با بازخورد منفی درباره یک عمل یا تصمیم، منابع بیشتری را برای عمل و ایستادگی در حل مشکلات اختصاص می‌دهد (شولزهارت و سروکرونینگ و فری، ۲۰۰۹). گلاسر^۶ نیز مسئولیت‌پذیری را به عنوان توانایی فرد برای تأمین نیازهایش تعریف می‌کند که این کار به گونه‌ای صورت می‌گیرد که

1. Schoof
2. Freud
3. Adler
4. Sharf
5. SchulzHardt, Thurowkroning & Frey
6. Glasser

در عین حال دیگران را از ارضای نیازهایشان محروم نمی‌کند. به علاوه ایشان معتقد است که مشکل انسانها و ناهنجاری آنها ناشی از عدم پذیرش مسئولیت است زیرا آنها نمی‌توانند نیازهای اساسی خود را بر اساس شرایط صحیح و انسان دوستانه ارضا کنند (گلاسر، ۱۳۹۶). بنابراین به رغم تأثیر قابل توجه و انکارناپذیر خانواده در ایجاد و استقرار مبانی مسئولیت‌پذیری در کودک، این تأثیر بیشتر در دوران قبل از مدرسه است و پس از آن، مسئولیت‌مدرسه در تربیت او سنگین‌تر خواهد شد (شاملو، ۱۳۹۴). دانش‌آموزان بزرگترین سرمایه‌های انسانی هر جامعه به حساب می‌آیند؛ زیرا با به کارگیری علم و دانش و مهارت‌های آموخته شده می‌توانند گام‌های استواری در جهت تعالی و رشد و آبادانی جامعه بردارند؛ بنابراین، یکی از اهداف مهم نظام آموزشی، تربیت دانش‌آموزانی مسئولیت‌پذیر است. توجه به این مسئله باعث می‌شود که روحیه تعهد و مسئولیت‌پذیری و تلاش و پشتکار در دانش‌آموزان پرورش یابد و بدین ترتیب بتوانیم نیروهای فعال و مولدی را برای فعالیت در عرصه‌های مختلف اجتماع تربیت کنیم (حسینی قمی، ۱۳۹۱: ۱۶). گگیج^۱ (۱۹۶۵) معتقد است که؛ هدف نهایی آموزش در مدارس باید این باشد که دانش‌آموزان را به تدریج از وابستگی به معلم جدا کنیم و به آنها آموزش دهیم که خودشان هر آنچه را برای راهنمایی و هدایت رفتارشان ضرورت دارد، انجام دهند (حاتمی، ۱۳۹۰). از نظر وایت^۲ (۲۰۰۳) بی‌مسئولیتی، موجب ناتوانی در برقراری روابط سالم و محبت‌آمیز با دیگران، ناتوانی در تصمیم‌گیری، شکست‌های پیاپی تحصیلی، ترک تحصیل و مهمتر از همه روی آوردن به مصرف مواد مخدر، نوشیدنی‌های الکلی، پرخاشگری و بزهکاری خواهد شد (خدیوی و اللهی، ۱۳۹۳). برخی از مطالعات هم به این نتیجه رسیده‌اند که متغیرهای مرتبط با مدرسه و برنامه درسی، نسبت به خانواده یا دوستان در ایجاد رفتارهای مسئولانه یا غیرمسئولانه مؤثرترند. دانش‌آموزان بخش عظیمی از هویت خود را از مدرسه می‌گیرند. علاوه بر اینکه اوقات قابل ملاحظه‌ای از زندگی کودکان و نوجوانان در آنجا می‌گذرد، بیشترین فعالیت‌های آنها در ساعات غیرمدرسه نیز با همسالان و دوستان مدرسه‌ای است. برنامه‌های آموزشی مدارس می‌توانند ضعف‌های ناشی از مسائل تربیتی در خانواده را جبران و آموزش می‌تواند بر رشد اخلاقی و اجتماعی افراد تأکید کند

1. Gage
2. White

(شامانی، ۱۳۸۶). از این رو، یکی از جامع‌ترین اهداف آموزش و پرورش در هر جامعه‌ای باید این باشد که به دانش‌آموزان بیاموزند که مسئولیت اعمال خود را بپذیرند؛ زیرا جامعه‌ای که ما در آن زندگی می‌کنیم، انتظار دارد که مدارس، همانطور که خواندن، نوشتن و حل مسائل را به افراد آموزش می‌دهند، مسئولیت‌پذیری را نیز به آنها بیاموزند تا به شهروندانی مسئولیت‌پذیر تبدیل شوند (دلیسی^۱، ۲۰۱۴). دانش‌آموزانی که مسئولیت‌پذیری را در مدرسه آموخته‌اند، یاد می‌گیرند چگونه در یک موقعیت بزرگ‌تر برای حل مشکل به راههای کمک به یکدیگر بیندیشند یا لاقبل با آن دست و پنجه نرم کنند. نظام آموزشی باید دانش‌آموزان را با یکدیگر مرتبط سازد تا فکر کردن و حل مشکل را یاد بگیرند و بدین ترتیب، در اجتماع افراد مسئولی بار بیابند (گلاسر^۲، ۱۳۹۶). بی‌شک توجه به مسئولیت‌پذیری در کنار دیگر ابعاد رشد دانش‌آموز و حیطه‌های تعلیم و تربیت، از جایگاه ویژه‌ای در برنامه درسی برخوردار است. بنابراین مطالعه دقیق، برنامه‌ریزی اولیه، هدف‌گذاری صحیح و تلاش مستمر برای تقویت و آموزش آن ضروری است و در برنامه درسی بایستی مورد توجه جدی قرار گیرد. در مدرسه بیش از هر عاملی، برنامه درسی، معلم و روشی که او مورد استفاده قرار می‌دهد، دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. کنکاش پیرامون روش‌هایی که می‌تواند باعث رشد مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان شود از اهمیت فراوانی برخوردار است. حال اینکه برنامه درسی آموزش و پرورش ما در دوره ابتدایی تا چه میزان در تحقق بخشیدن به این هدف‌ها موفق بوده است، تا چه میزانی در برنامه‌های درسی مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان مورد توجه قرار می‌گیرد، نیازمند بررسی است. به نظر می‌رسد آموزش مسئولیت‌پذیری در کشور ما هنوز به صورت بخشی از برنامه رسمی آموزشی در نیامده است. و نظام آموزش و پرورش ما در سالهای گذشته در این زمینه عملکرد خوبی نداشته است و مسئولیت‌پذیری به صورت برنامه درسی پنهان در خلال تعامل دانش‌آموزان با معلمان، دانش‌آموزان با دانش‌آموزان و نیز از طریق کتاب‌های درسی به نسل جدید منتقل می‌شود. در صورتی که با توجه به اهمیت این مهارت‌ها در شکوفایی شخصیت اجتماعی و فردی، در برنامه درسی تجویز شده توسط فراگیران باید تجربه شود. بدین ترتیب آموزش مسئولیت‌پذیری، نفیس‌ترین هدیه‌ای است که می‌توانیم به فرزندانمان

1. Delisi
2. Glasser

ارزانی کنیم. چنین آموزشی آنان را قادر می‌سازد که از خویشتن مراقبت کنند و در آینده به عنوان بزرگسالی مسؤول، وظایف خویش را به عهده بگیرند (بیابانگرد، ۱۳۹۰). لذا در آموزش و پرورش، دانش‌آموزان علاوه بر خواندن و نوشتن نیازمند یادگیری هنر زندگی کردن با یکدیگر و مهارت‌های لازم برای زندگی اجتماعی هستند و لازمه این امر رشد مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان است و این باید در برنامه تحصیلی در نظر گرفته شود. اگر چه در سالهای اخیر در برنامه‌های درسی نظام آموزشی کشور به موضوع مسئولیت‌پذیری اشاره شده است ولی هنوز در ابتدای راه می‌باشد به همین دلیل پژوهشگر با توجه به تجربه چندین ساله در امر آموزش در صدد طراحی و اعتباریابی الگوی مطلوب مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دوره ابتدایی می‌باشد تا از این طریق پیشنهادهای علمی و عملی به دست‌اندرکاران نظام تعلیم و تربیت ارائه نمایند.

پیشینه پژوهش

در رابطه با مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان تحقیقاتی در داخل و خارج از کشور انجام شده است که به چند مورد بشرح زیر اشاره می‌گردد:

احمدی جویباری (۱۳۹۶) پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه بین خودکنترلی و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دختر پایه ششم ابتدایی (مطالعه موردی: شهر بابلسر)» انجام داد. نتایج پژوهش نشان داد که خودکنترلی و هر دو مؤلفه آن (خودکنترلی بازدارنده با منع‌کننده و خودکنترلی اولیه) رابطه مثبت و معناداری با مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دارند. یافته‌های پژوهش هلاجیان و سعدی‌پور (۱۳۹۵) نشان داد که روش ایفای نقش بر مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان اثربخش بوده است. نتایج پژوهش منتظری (۱۳۹۵) نشان داد که بازی‌های آموزشی بر خلاقیت و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان تأثیر مثبت و معنادار دارد. دهقانی و گوران (۱۳۹۳) پژوهشی با عنوان «مسئولیت‌پذیری در دانش‌آموزان دوره متوسطه: ابعاد و راهکارهای تقویت آن» انجام دادند. نتیجه این که لازم است مسئولیت‌پذیری با توجه به نقش مهمی که در اجتماعی شدن فرد ایفا می‌نماید مورد توجه والدین و مسئولین آموزشی قرار گیرد و در برنامه درسی مدرسه هم توجه کافی به آن مبذول گردد. نتایج پژوهش خدیوی و اللهی (۱۳۹۳) نشان داد بین مسؤولیت‌پذیری و کلیه مؤلفه‌های آن با پیشرفت تحصیلی رابطه وجود دارد.

صالحی (۱۳۹۲) پژوهشی با عنوان «تحلیل و ارزیابی میزان مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر اصفهان به عنوان حوزه‌ای از برنامه درسی پوچ» انجام داد. یافته‌ها نشان داد میانگین مسئولیت‌پذیری در مولفه‌های خودمدیریتی، نظم‌پذیری، قانون‌مندی، امانت‌داری، وظیفه‌شناسی، سازمان‌یافتگی، پیشرفت‌گرایی بالاتر از حد متوسط بوده است. تحلیل داده‌های پژوهش نظری نفوتی (۱۳۹۱) نشان داد از دیدگاه والدین، معلمان تربیت‌بدنی و معلمان سایر دروس، دانش‌آموزان ورزشکار در تمام سطوح مسئولیت‌پذیری (به جز سطح بی‌مسئولیتی) و همچنین مسئولیت‌پذیری فردی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی نمرات بالاتری کسب کردند. یافته‌های پژوهش خدابخشی و عابدی (۱۳۸۸) نشان داد که برنامه آموزشی یادگیری مبتنی بر خود در افزایش مسئولیت‌پذیری پسران در هر دو نوع سنجش والد و دبیر در دو مرحله پس‌آزمون و پیگیری معنادار بوده است، ولی در نوع سنجش خودارزیابی معنادار نبوده است. طبق نتایج پژوهش کردلو (۱۳۸۷) می‌توان ۲/۵ درصد از واریانس مسئولیت‌پذیری در مدرسه را از روی مسئولیت‌پذیری در خانه پیش‌بینی کرد. نتایج نشان داد لازمه مسئولیت‌پذیری تأمین احساس امنیت، احساس تعلق و عزت نفس است.

متیوسی و هیلکر^۱ (۲۰۱۸) پژوهشی با عنوان «چه کسی مسئول نتایج آموزشی است؟ پاسخگویان مسئولیت‌پذیر برای نتایج آموزشی در نمونه‌ای از معلمان، والدین و دانش‌آموزان ایتالیایی» انجام دادند. نتایج این مطالعه نشان داد که مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان، والدین و معلمان به طور قابل توجهی به خصوص در مورد مسئولیت‌پذیری والدین در مدرسه و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان در مورد خودشان متفاوت است. این مطالعه نشان می‌دهد نیاز و اهمیت بررسی بیشتر در مورد مسئولیت‌پذیری در مدرسه به منظور کمک به مدارس و ایجاد یک رابطه مثبت و موثر بین مدرسه و خانواده احساس می‌شود. دیمنتای و گروگلو^۲ (۲۰۱۶) پژوهشی با عنوان «ساختار مسئولیت‌پذیری کودکان پیش‌دبستانی و مدارس ابتدایی» انجام دادند. نتایج نشان داد که دوره سنی در مورد حساسیت نسبت به مسئولیت‌پذیری به عنوان یک ویژگی شخصیتی مطرح است. الم^۳ (۲۰۱۴) در پژوهشی نشان داد که دانش‌آموزانی که نسبت به اشتباهات و

1. Matteucci & Helker
2. Dementiy & Grogoleva
3. Alam

شکست‌های خود مسئولیت‌پذیر هستند، حرمت خود بالاتری دارند. جاسون^۱ (۲۰۱۳) در تحقیقی دریافت که ساختار مدرسه و مسئولیت‌پذیری جمعی، هر کدام از طریق خوش‌بینی، تأثیر غیرمستقیم روی عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دارند. مالیکی، آساین و کبی^۲ (۲۰۱۰) در تحقیقی به بررسی رابطه بین مسئولیت‌پذیری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دبیرستانی در ایالت بایلسا در نیجریه پرداختند. نتیجه نشان داد ابعاد گوناگون مسئولیت‌پذیری اجتماعی به طور معناداری با پیشرفت تحصیلی مرتبط است. نتایج پژوهش ناکامورا و واتانابه - مورااکا^۳ (۲۰۰۶) نشان داد نوع دوستی جهانی، درگیری فعال با جامعه و درک از وابستگی متقابل مسئولیت‌پذیری اجتماعی جهانی را می‌سازند. پرستون^۴ (۲۰۰۵) درباره مسئولیت‌پذیری اجتماعی و تبلیغات در کودکان پژوهشی را انجام داده و نتیجه می‌گیرد که اگر چه کودکان کوچک‌تر در برابر پیام‌های تبلیغاتی آسیب‌پذیرتر هستند، اما لزوماً اینگونه نیست که پیام‌های تبلیغاتی، مسئولیت‌پذیری کودکان را تضعیف کنند.

آرگیلد^۵ و همکاران (۱۹۹۶) در پژوهش خود نتیجه گرفتند که یادگیری مبتنی بر خود، به عنوان یکی از روش‌های افزایش مسئولیت‌پذیری موجب می‌شود که یادگیرنده خود را مسئول یادگیری خود بداند و برخلاف مدارس سنتی، دانش‌آموز احساس نمی‌کند که تحت کنترل دیگران است و احساس فردی آنها را نیروها و تجارب بیرونی شکل نمی‌دهند، بلکه تشخیص می‌دهند که خود حق انتخاب دارند و مسئول ساختن زندگی خود هستند و همچنین آنها بیان کرده‌اند، این نوع آموزش مهارت‌های درون‌فردی را افزایش می‌دهند و افراد خودرفتار خود را ارزیابی و به طور خلاق آن را بازسازی می‌کنند. یادگیرندگان مبتنی بر خود، خود را مالک رفتار خود می‌دانند آنها یاد می‌گیرند که مسئول هر عمل و واکنش خود هستند و اعتقاد دارند که احساسات آنها از افکار آنها ناشی می‌شود. این فرآیندهای درونی شده برای تغییر برخی عادات قدیمی به دانش‌آموزان کمک می‌کنند (خدابخشی و عابدی، ۱۳۸۸).

1. Jason
2. Maliki, Asain & Kebbi
3. Nakamura & Watanabe-Muraoka
4. Preston
5. Arghlid

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از لحاظ روش آمیخته از نوع اکتشافی می‌باشد، طوری که در اجرای آن روش‌های کمی و کیفی در کنار هم به کار گرفته شدند. در این روش پژوهشگر بر مبنای یافته‌های حاصل از داده‌های کیفی، سعی بر آن دارد که داده‌های کمی را گردآوری کند تا تعمیم‌پذیری یافته‌ها را میسر سازد (عظیمی، ۱۳۹۵). در این راستا، جهت پاسخگویی به پرسش اول تحقیق، از روش کیفی و جهت پاسخگویی به پرسش دوم تحقیق، ۴ از روش کمی استفاده شد.

در این پژوهش جامعه آماری برای طراحی الگوی مطلوب، پیشینه تحقیقات داخلی و خارجی، مبانی نظری، تجربیات جهانی و الگوهای موجود در زمینه پژوهش و همچنین مصاحبه از متخصصان برنامه‌ریزی درسی بوده و جامعه آماری برای اعتبارسنجی الگوی مطلوب، متشکل از متخصصان برنامه‌ریزی درسی می‌باشد. نمونه‌گیری نظری از نوع هدفمند و ملاک‌محور بوده و به صورت ذیل انجام گرفت: در بخش طراحی الگوی مطلوب متشکل از پیشینه تحقیقات داخلی و خارجی، مبانی نظری، تجربیات جهانی و الگوهای موجود در زمینه مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان و همچنین متخصصان برنامه‌ریزی درسی جهت مصاحبه نیمه‌ساختارمند بوده و نمونه‌گیری تا رسیدن به حد اشباع ادامه یافت. در بخش اعتبارسنجی نیز ملاک‌محور بوده و از وجود متخصصان برنامه‌ریزی درسی و آموزش احساس مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان که دارای ملاک‌هایی مانند (مدرک تحصیلی PhD، دارای تجربه عملی و همچنین تألیف مقالات و کتب در زمینه پژوهش) می‌باشند، استفاده شد.

با توجه به آمیخته بودن روش و چند مرحله‌ای بودن آن، ابزار و روش‌های گردآوری داده‌ها، متفاوت بوده است. بدین ترتیب که در بخش طراحی الگو، از الگوی اکر استفاده شد و به منظور شناسایی مؤلفه‌ها و مفروضه‌ها و ساختارهای مناسب در مورد ویژگی‌های الگوی پیشنهادی، با در نظر گرفتن پیشینه تحقیقات داخلی و خارجی، مبانی نظری و الگوهای موجود، مصاحبه‌ای نیمه ساختاریافته با اساتید، متخصصین تعلیم و تربیت، مؤلفین کتب انجام گرفت. و در بخش اعتباریابی الگوی مورد نظر از اساتید و متخصصین برنامه‌ریزی درسی، مؤلفین کتب، کارشناسان حوزه تعلیم و تربیت با ملاک‌هایی مانند مدرک تحصیلی Ph.D، دارای مقاله و کتاب با ابزاری به نام پرسشنامه

استفاده شد. بنابراین ابزار گردآوری اطلاعات برای سؤال ۱ (مصاحبه، یادداشت‌ها و فیش‌برداری) و برای سؤال ۲ (پرسشنامه) بود. روش تجزیه و تحلیل یافته‌ها توصیفی-تحلیلی استنتاجی بوده و در این راستا برای تجزیه و تحلیل سؤال ۱ از روش سنتزپژوهی و برای تجزیه و تحلیل سؤال ۲ از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده خواهد شد.

یافته‌ها

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و تبیین یافته‌ها به دو سوال تحقیق پرداخته شده است که در زیر به توصیف آنها می‌پردازیم.

سؤال ۱. الگوی مطلوب مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان در برنامه درسی دوره ابتدایی چه مختصاتی دارد؟

برای طراحی الگوی بهینه از روش سنتزپژوهی بر اساس اطلاعات جمع‌آوری شده از طریق ۳ مرحله استفاده شد.

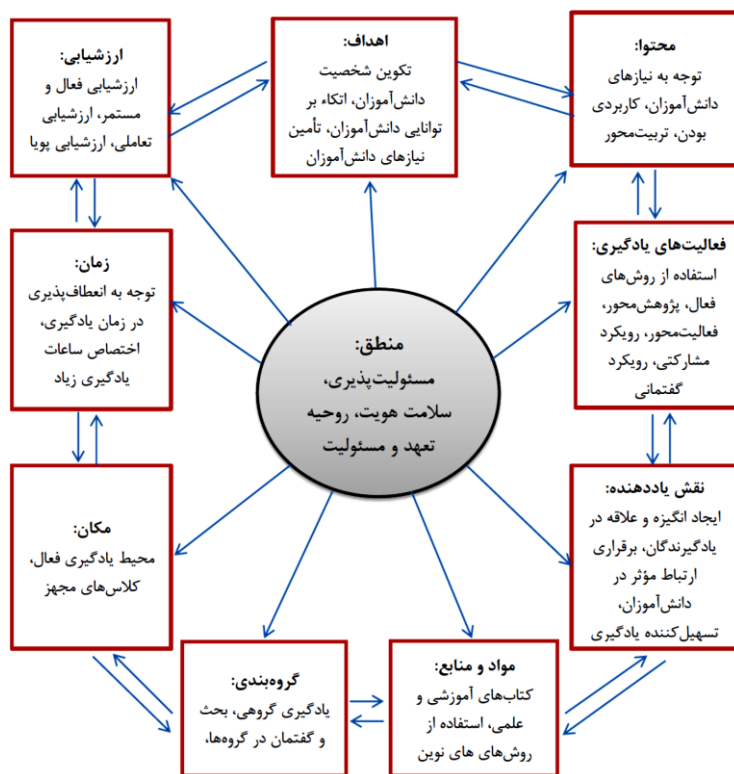
در مرحله اول، حوزه‌های مرتبط با برنامه درسی مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان که شامل مبانی روانشناختی، مبانی فلسفی، مبانی جامعه‌شناختی، مبانی برنامه درسی، مبانی مطالعه حوزه دیدگاه‌ها و رویکردهای برنامه درسی، تجارب و نوآوری‌های آموزشی و تحلیل مفاهیم نظری مسئولیت‌پذیری مورد مطالعه قرار گرفت. در این مرحله پایه‌های تئوریک و مبانی نظری در منابع و متون داخلی شامل: کتاب‌ها، مقالات، تحقیقات انجام شده در داخل و سایت‌های اینترنتی مرتبط با موضوع، مورد بررسی و اطلاعات لازم جمع‌آوری گردید.

در مرحله دوم، به منظور تعیین عناصر راهبردی مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان، وضعیت موجود تحلیل محتوای کمی و برای تشخیص وضعیت مطلوب، مؤلفه‌ها و مفروضات مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان با استفاده از روش تحلیل آنتروپی شانون وضعیت موجود و تشخیص وضعیت مطلوب اسناد بالادستی مشخص شد.

در مرحله سوم، به دلیل اینکه در طی بررسی با استفاده از مبانی و چهارچوب مفهومی حوزه‌های مرتبط امکان طراحی و پاسخگویی مستند الگوی برنامه درسی بر اساس مدل اگر

امکان‌پذیر نبود مصاحبه نیمه‌ساختاریافته‌ای از متخصصان تعلیم و تربیت و اساتید با تجربه آموزش و پرورش انجام شد که برای تحلیل داده‌ها، پاسخ هر یک از پرسش‌ها در کنار هم گردآوری شدند. این پاسخ‌ها چندین بار به صورت فعال و تعاملی خوانده شده و سپس به صورت باز کدگذاری شدند. پس از کدگذاری باز، داده‌های حاصل از آن بر اساس محورهای مشترکی که میان آنها بروز یافته است در کنار هم قرار گرفتند و فراوانی آنها محاسبه شد. سپس کدهای محوری بر اساس همانندی و ناهمانندی‌هایی که با یکدیگر داشتند در تم‌هایی گنجانده شدند. کدهای محوری تحت پوشش آن در نرم‌افزار Spss نسخه ۲۱ وارد شدند تا بتوان با استفاده از آمار توصیفی، فراوانی و درصد هر یک را در پژوهش آشکار کرد. در نهایت با کنار هم قرار دادن این داده‌ها با استفاده از روش سنتز پژوهی و با بهره‌گیری از شیوه تحلیلی استنتاجی، تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده انجام شد و الگوی مورد نظر طراحی و تدوین گردید.

از جمله نکاتی که در طراحی الگوی پیشنهادی مورد توجه و تأکید بوده است، خصوصیات مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان است، به طوری که بتواند جهت‌گیری‌های اصلی را برای تدوین برنامه درسی به وجود آورد. به این معنا که هر یک از عناصر ضمن آنکه از مرحله قبل از خود اثر می‌پذیرند باید بتوانند بر مرحله بعد نیز اثر گذارند و به این صورت در یک تعامل منطقی و اثرگذاری مستقیم منظومه نظام‌یافته‌ای را با نتیجه یادگیری به عرصه عمل درآورند. در نهایت برای توصیف عناصر الگوی مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان از عناصر دسته‌بندی شده توسط وان‌اگر استفاده شد. در این پژوهش تلاش شده است طراحی الگوی مناسب برای برنامه درسی مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان به نحوی انجام گیرد که اجزای آن با یکدیگر تعامل لازم را داشته و الگوی مذکور بتواند در زمان اجرا، نتایج کاربردی لازم را ارائه نماید. ارتباط منطقی عناصر برنامه درسی نیز نکته مهمی در طراحی الگو می‌باشد. به همین منظور تلاش شده است این ارتباط بین عناصر و برنامه درسی مورد نظر به وجود آید. شکل ۱ طراحی الگوی مطلوب مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان در برنامه درسی را نشان می‌دهد.



شکل ۱. طراحی الگوی مطلوب مسئولیت پذیری دانش آموزان در برنامه درسی

سؤال ۲. اعتبار الگوی پیشنهادی از نظر متخصصان حوزه مطالعات برنامه درسی برای

دانش آموزان دوره ابتدایی به چه میزان است؟

برای اعتبارسنجی یک برنامه درسی لازم است نظرات متخصصان و خبرگان این رشته در ارتباط با برنامه درسی طراحی شده، کسب شود. بنابراین برای اعتباریابی الگوی پیشنهادی جهت اجرا، از آگاهان کلیدی با ملاک هایی مانند مدرک تحصیلی Ph.D، آگاهی درباره دانش موضوعی (تألیف مقاله، کتاب در زمینه مربوط) و تجربه عملی یا آشنایی با مسائل برنامه درسی مسئولیت پذیری دانش آموزان به عنوان نمونه پژوهش انتخاب گردید. بدین منظور از طریق پرسشنامه ۱۳ گویه ای نظرات ۲۰ نفر از متخصصان رشته علوم تربیتی استخراج و پرسش های مطرح شده، جمع بندی و به صورت جداول شماره ۱ و ۲ مورد بررسی قرار گرفت.

جدول ۱. نتایج اعتبارسنجی الگوی پیشنهادی بر اساس طرح اکر

عناصر	کاملاً موافقم		موافقم		نظری ندارم		مخالقم		کاملاً مخالفم	
	نفر	درصد	نفر	درصد	نفر	درصد	نفر	درصد	نفر	درصد
منطق	۲۰	۰/۹۵	۱	۰/۰۵	-	-	-	-	-	-
اهداف	۱۹	۰/۹۰	۲	۰/۱۰	-	-	-	-	-	-
محتوا	۱۸	۰/۸۵	۱	۰/۰۵	-	-	۱	۰/۰۵	-	-
فعالیت‌های یادگیری	۱۸	۰/۸۰	۳	۰/۱۵	-	-	-	-	-	-
نقش معلم	۱۶	۰/۸۵	۱	۰/۰۵	-	-	-	-	-	-
مکان	۲۰	۰/۹۰	۳	۰/۱۵	-	-	۲	۰/۱۰	-	-
زمان	۱۸	۰/۸۰	۱	۰/۰۵	-	-	۱	۰/۰۵	-	-
گروه‌بندی	۱۷	۰/۹۵	۲	۰/۱۰	-	-	-	-	-	-
مواد و منابع	۱۹	۰/۹۰	۳	۰/۱۵	-	-	-	-	-	-
ارزشیابی	۱۷	۰/۸۰	۲	۰/۱۰	-	-	-	-	-	-

جدول ۲. مشخصات کلی الگو و میزان سازگاری درونی عناصر و قابلیت اجرایی

پرسش	خیلی زیاد		زیاد		متوسط		کم		خیلی کم	
	نمره	درصد	نمره	درصد	نمره	درصد	نمره	درصد	نمره	درصد
میزان سازگاری درونی عناصر	۲۰	۰/۱۰۰	-	-	-	-	-	-	-	-
قابلیت اجرایی الگو	۲۰	۰/۱۰۰	-	-	-	-	-	-	-	-
چهارچوب الگو	۲۰	۰/۱۰۰	-	-	-	-	-	-	-	-

نتایج نشان داد که ۰/۸۸ متخصصان، محورهای پیشنهادی در این الگو را کافی دانسته‌اند و بیان کردند که تقریباً تمامی محورهای مرتبط با برنامه درسی مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان که شامل مبانی روانشناختی، مبانی رویکردهای جدید و مبانی برنامه درسی مرتبط مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان در الگوی مطلوب، مورد توجه قرار گرفته است. ۰/۹۳ متخصصان اظهار داشته‌اند که اهداف ذکر شده با اصول حاکم بر مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان همخوانی و انطباق دارد. همچنین ۰/۸۸ متخصصان اظهار داشته‌اند که محتوای الگوی مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دارای جامعیت بوده و متناسب با اصول و اهداف تدوین شده است. ۰/۷۸ متخصصان اظهار داشته‌اند که فعالیت‌های یادگیری الگوی پیشنهادی برای تعلیم و تربیت قابلیت انطباق‌پذیری بالاتری با نیازها و خصوصیات فراگیران و جامعه دارد. بنابراین متخصصان بیان نمودند که با توجه به الگوی برنامه درسی به ویژه در برنامه درسی مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان بین حوزه‌های مورد مطالعه و عناصر برنامه درسی ارتباط منطقی وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از کارکردهای نظام‌های آموزشی که بیانگر تلاش و برنامه‌ریزی نهادهای آموزشی برای تربیت اجتماعی و شهروندی فراگیران خود می‌باشد اقدام در مسیر ایجاد آموزش و رشد قابلیت‌ها و مهارت‌های مسئولیت‌پذیری در میان دانش‌آموزان خود است. تردیدی نیست که انسان به عنوان موجودی ذاتاً اجتماعی و برخوردار از سرشت مدنی، به تنهایی قادر به رفع نیازهای خود نیست. لذا مجبور است که برای انجام امور مختلف خود به دیگران پناه آورد. از این رو ضروری است الزامات و مقتضیات تعامل با دیگران را به درستی بشناسد و در روابط و مناسبات اجتماعی خود به کار گیرد. این مهارت به تدریج از ابتدای زندگی ایجاد می‌شود. در واقع، یک شخص هرگز نمی‌تواند رفتاری مسئولانه از خود نشان دهد، مگر آنکه آن را در طول زندگی آموخته باشد. مراکز آموزشی نقش مهم و برجسته‌ای در زمینه آموزش مسئولیت‌پذیری و مهارت‌های مرتبط آن دارند. مسئولیت‌پذیری یکی از مهمترین اهداف سازمان‌های آموزشی به ویژه آموزش و پرورش است. و دانش‌آموزان به عنوان آینده‌سازان جامعه افرادی با ویژگی‌های منحصر به فرد هستند که

قسمت عمده شخصیت آنان در رابطه با مسئولیت‌پذیری و اجتماعی شدن در همین دوران کودکی، نوجوانی و جوانی در مدارس و کلاس‌ها شکل می‌گیرد. دوران مدرسه زمان ارزشمندی برای یادگیری مسئولیت‌پذیری است، زیرا در این دوران است که فرد دوست دارد استقلال بیشتری داشته باشد و باید تصمیماتی درباره برخی از ارزش‌ها و روش‌های رفتاری خود بگیرد. یکی از فاکتورهای اصلی که می‌تواند به انتخاب‌های دانش‌آموزان پختگی ببخشد، میزان مسئولیت آنها در کارهای شخصی و اجتماعی است. تنها با آگاهی از دلایل انتخاب انجام شده و اراده برای پذیرش مسئولیت این انتخاب است که افراد می‌توانند به دنبال تغییر شرایط، دیدگاه‌ها و نتایج حاصل از آنها باشند و گرنه کوشش برای تغییر بی‌معنا بوده، احساس بی‌قدرتی و انفعال فرد را از انجام اصلاح در زندگی خود باز خواهد داشت. مقوله ارتباط با دیگران برای انسان نقش و مسئولیت ویژه ایجاد می‌کند که در یک عنوان با نام مسئولیت‌پذیری از آن یاد می‌شود. با توجه به رویکردهای مختلف، دیدگاه‌های خاص تربیتی را می‌طلبد؛ این امر گاهی رنگ اجتماعی پیدا می‌کند و زمانی از دیدگاه سیاسی مورد بررسی قرار می‌گیرد و گاهی با رویکرد اقتصادی یا فرهنگی به آن نظر می‌شود. مسئولیت‌پذیری یکی از اهداف فرهنگی و اجتماعی مهم تعلیم و تربیت است که در آموزه‌های دین اسلام نیز بر آن تأکید شده است. هدف مهمی که آموزش و پرورش برای تربیت نسل‌های آینده دارد، نهادینه نمودن مسئولیت‌پذیری افراد است تا مسئولیت‌های مختلف را در زندگی خود در ابعاد جامعه، خانواده و خود ایفا نمایند. مسئولیت‌پذیری گوهر ارزشمندی است که با وجود آن انسان بر همه مخلوقات جهان برتری یافته است. مسئولیت‌پذیری خصیصه‌ای است که از یک تصمیم‌سرنوشت‌ساز در برهه‌ای از زندگی انسان‌ها نشأت می‌گیرد. به بیان دیگر انسان‌ها تحت تأثیر عوامل گوناگون اجتماعی و تربیتی مسئولیت‌پذیر می‌شوند و این ویژگی را در روند زندگی خود پاس می‌دارند. هدف این پژوهش طراحی و اعتباریابی الگوی مطلوب مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان در برنامه درسی دوره ابتدایی است. بدین منظور سؤالات تحقیق عبارت است از طراحی الگوی مطلوب مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان در برنامه درسی دوره ابتدایی و امکان‌سنجی از نظر متخصصان حوزه مطالعات برنامه درسی برای دانش‌آموزان دوره ابتدایی. از جمله نکاتی که در طراحی الگوی پیشنهادی مورد توجه

و تأکید بوده است، خصوصیات مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان است، به طوری که بتواند جهت‌گیری‌های اصلی را برای تدوین برنامه درسی به وجود آورد. به این معنا که هر یک از عناصر ضمن آنکه از مرحله قبل از خود اثر می‌پذیرند بتوانند بر مرحله بعد اثر گذارند و به این صورت در یک تعامل منطقی و اثرگذاری مستقیم منظومه نظام‌یافته‌ای را با نتیجه یادگیری به عرصه عمل در آورند. در نهایت برای توصیف عناصر الگوی مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان از عناصر دسته‌بندی شده توسط وان اکر استفاده شد. در این پژوهش تلاش شده است طراحی الگوی مناسب برای برنامه درسی مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان به نحوی انجام گیرد که اجزای آن با یکدیگر تعامل لازم را داشته و الگوی مذکور بتواند در زمان اجرا، نتایج کاربردی لازم را ارائه نماید. ارتباط منطقی عناصر برنامه درسی نیز نکته مهمی در طراحی الگو می‌باشد. به همین منظور تلاش شده است این ارتباط بین عناصر و برنامه درسی مورد نظر به وجود آید. متخصصان اظهار داشته‌اند که فعالیتهای یادگیری الگوی پیشنهادی برای تعلیم و تربیت قابلیت انطباق‌پذیری بالاتری با نیازها و خصوصیات فراگیران و جامعه دارد. متخصصان بیان نمودند که با توجه به الگوی برنامه درسی به ویژه در برنامه درسی مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان بین حوزه‌های مورد مطالعه و عناصر برنامه درسی ارتباط منطقی وجود دارد.

فهرست منابع

- احمدی جویباری، مریم (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین خودکنترلی و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دختر پایه ششم ابتدایی (مطالعه موردی: شهر بابلسر). فصلنامه علمی تخصصی روانشناسی، علوم اجتماعی و علوم تربیتی، ۷۰-۶۳: (۲)۱.
- بیابانگرد، اسماعیل. (۱۳۹۰). روان‌شناسی نوجوانان. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حاتمی، زهرا. (۱۳۹۰). راهبردهای خودکنترلی رفتار. رشد آموزش مشاور مدرسه، ۵۲-۵۵: (۴)۶.
- حسینی قمی، طاهره. (۱۳۹۱). مسئولیت‌پذیری در دانش‌آموزان. مجله رشد آموزش، ۱۶-۱۹: (۲)۸.
- خدابخشی، مهدی و عابدی، محمدرضا. (۱۳۸۸). بررسی روش‌های افزایش مسئولیت‌پذیری در دانش‌آموزان دوره راهنمایی شهرضا. مجله مطالعات روانشناختی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهرا (س)، ۵: (۱)۵: ۱۱۳-۱۳۷.
- خدیوی، اسدالله و الهی، ایران. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین مسئولیت‌پذیری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر مقطع اول متوسطه (پایه هفتم) شهرستان مهاباد. زن و مطالعات خانواده، ۶: (۲۲)۶: ۳۷-۵۹.
- دهقانی، مرضیه و گوران، شیوا. (۱۳۹۳). مسئولیت‌پذیری در دانش‌آموزان دوره متوسطه: ابعاد و راهکارهای تقویت آن. نخستین همایش ملی علوم تربیتی و روانشناسی، مرودشت، شرکت اندیشه‌سازان مبتکر جوان. شارف، ریچارد اس. (۱۳۹۶). نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی. ترجمه مهرداد فیروزبخت، تهران: نشر رسا. چاپ چهاردهم.
- شامانی، محمدعلی. (۱۳۸۶). مدرسه بزهکاری نوجوانان را کاهش می‌دهد؟ فصلنامه رشد مشاور مدرسه. ۳: (۱)۳: ۲۸-۲۹.
- شاملو، سعید. (۱۳۹۴). بهداشت روانی. تهران: انتشارات رشد. چاپ بیست و هفتم.
- صالحی، معصومه. (۱۳۹۲). تحلیل و ارزیابی میزان مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر اصفهان به عنوان حوزه‌ای از برنامه درسی پوچ. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه کاشان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- کردلو، منیره. (۱۳۸۷). بررسی عوامل مؤثر بر مسئولیت‌پذیری نوجوانان دبیرستانی در خانه و مدرسه. مجله مشاور مدرسه. ۲: (۱)۲: ۴-۱۱.
- گلاسر، ویلیام. (۱۳۹۶). مدارس بدون شکست. ترجمه ساده حمزه و مژده حمزه تبریزی. تهران: انتشارات رشد. چاپ هشتم.
- منتظری، زینب. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر بازیهای آموزشی بر خلاقیت و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان. اولین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی و مطالعات اجتماعی ایران.

نظری نفوتی، سمانه. (۱۳۹۱). مقایسه سطوح مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان ورزشکار و غیرورزشکار پایه سوم راهنمایی از دیدگاه والدین و معلمان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی.

هلاجیان، مهدیه و سعدی پور، اسماعیل. (۱۳۹۵). بررسی اثربخشی آموزش روش ایفای نقش بر مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دختر اول دبیرستان، مجله روانشناسی مدرسه، ۵(۲): ۱۵۱-۱۶۶.

Alam, M. (2014). A Study of Test Anxiety, Self-Esteem and Academic Performance among Adolescents. *The IUP Journal of Organizational Behavior*, 12: 33-43.

Delisi, M. (2014). *Low Self Control Is a Brain Based Disorder*. SAGE Publications Ltd.

Dementiy, L.I & Grogoleva, O.Y. (2016). The structure of responsibility of preschool and primary school age children. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 233: 372-376.

Jason, H. (2013). Enabling School Structure, Collective Responsibility, and a Culture of Academic Optimism: Toward a Robust Model of School Performance in Taiwan. *Journal of Educational Administration*, 51(3): 179-62.

Maliki, A. E., Asain, E. S. & Kebbi, J. (2010). Background variables, social responsibility and academic achievement among secondary school students in Bayelsa state of Nigeria. *Study home comm Sci*, 4(1): 27-32.

Matteucci, M.C & Helker, K. (2018). Who is responsible for educational outcomes? Responsibility ascriptions for educational outcomes in a sample of Italian teachers, parents, and students. *Learning and Individual Differences*, 61: 239-249.

Nakamura, M. & Watanabe-Muraoka, A. M. (2006). Global social Responsibility: developing a scale for senior high school students in Japan. *International journal for the advancement of counselling*, 28(3): 213-226.

Preston, Ch. (2005). Advertising to children and social responsibility. *World Advertising Research Center*, Quarter 3, pp. 61-67.

Schoof, P. M. (2010). Student accountability in student centered learning. Unpublished doctoral dissertation. United States Military Academy, West Point, NY.

SchulzHardt, S., Thurowkroning, B & Frey, D. (2009). Preference based escalation: A new interpretation for the responsibility effect in escalating commitment and entrapment. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 108: 175-186.



تصميم واعتماد النموذج المثالي للمسؤولية الدينية للطلاب في مناهج المدارس
الابتدائيةمعصومة كاظمي^١ | شهرام رانجدوست^٢ | محمد علي مجلل تشوبكلو^٣

الملخص

يعتبر تحمل المسؤولية أحد الأهداف الثقافية والاجتماعية المهمة للتعليم ، والتي تم التأكيد عليها أيضاً في تعاليم الإسلام. الهدف المهم للتعليم من أجل تعليم الأجيال القادمة هو إضفاء الطابع المؤسسي على مسؤولية الناس للوفاء بمختلف المسؤوليات في حياتهم في أبعاد المجتمع والأسرة وأنفسهم. الهدف الرئيسي من البحث الحالي هو تصميم والتحقق من صحة النموذج المثالي لمسؤولية الطلاب في مناهج المدارس الابتدائية. تم تطبيق هذا البحث من حيث الغرض والاستكشاف من حيث الطريقة المختلطة ، واستخدمت الطريقة التوعوية لتصميم النموذج المطلوب ، واستخدمت الطريقة الكمية للتحقق من صحة النموذج المقترح. المجتمع الإحصائي لتصميم النموذج المطلوب ، وخلفية البحث المحلي والأجنبي ، والأسس النظرية ، والتجارب العالمية والنماذج الموجودة في مجال البحث ، بالإضافة إلى المقابلات شبه المنظمة مع ١٥ متخصصاً في تخطيط المناهج وللتحقق من صحة النموذج المطلوب ، المكون من متخصصين في تخطيط المناهج بمعايير مثل درجة الدكتوراه لديهم خبرة عملية بالإضافة إلى كتابة المقالات والكتب في مجال البحث. كان أخذ العينات النظرية هادفة وموجهة نحو المعايير. كانت أداة جمع المعلومات لتصميم النموذج المطلوب هي استخدام نموذج Ecker وللتحقق من صحة النموذج المقترح كان استبياناً. كانت طريقة تحليل النتائج وصفية تحليلية واستنتاجية ، واستخدمت طريقة التوليف واختبار العينة واحدة. بناءً على المقابلة وجهاً لوجه مع الأشخاص المستهدفين ، وفقاً لعناصر Ekr العشرة ، من نتائج المقابلة وجهاً لوجه ، تم إجراء إعادة الترميز - الترميز المركزي - الترميز الانتقائي ، وتحليل المحتوى النوعي وفقاً لنظرية Ekr مع الاستنتاجات والحصول على مكونات المسؤولية بناءً على مبادئ البحث النظري والمكتوب والخلفية. بعد ذلك ، وفقاً للعناصر العشرة لـ Ekr. تم إجراء بحث تركيبي. أخيراً ، تظهر النتائج أن النموذج المثالي لمنهج المسؤولية القائم على الأسس النظرية والمنهج يتكون من ثلاثة أبعاد (اجتماعية ، أخلاقية ، قانونية ، بيئية وسياسية) ، فئات رئيسية (معرفية ، عاطفية ، إبداعية ومهارية) ، والعناصر العشرة لمكر ، والتي وفقاً للخبراء والخبراء وتخطيط المناهج ، أظهرت نتائج اختبار T-Tech لعينات تقييم الصلاحية الداخلية للنموذج المصمم أن رأي الخبراء المتعلق بالتقييم ذو دلالة كان المستوى ٠.٠٠١ والمستوى Alpha 0.01 أعلى بكثير من المتوسط ($P < 0.01$) وتم التعرف عليه على أنه صالح ؛ لذلك ، في هذا البحث ، جرت محاولة لتصميم نموذج مناسب لمنهج مسؤولية الطلاب بحيث يكون لمكوناته التفاعل الضروري مع بعضها البعض ، ويمكن للنموذج المذكور أن يوفر النتائج العملية اللازمة في وقت وأظهر التنفيذ وأخيراً بالتصديق على النموذج المقترح من قبل الخبراء ، أنه وفقاً لنموذج المنهج ، وخاصة في منهج مسؤولية الطلاب ، هناك علاقة منطقية بين المجالات المدرسية وعناصر المنهج.

الكلمات الرئيسية: التصميم والاعتماد والمساءلة والمناهج الدراسية.

ورقة البحث

الواردة:
٢٢ جمادى الثانية ١٤٤٢
المقبولة:
٢٠ ذو الحجة ١٤٤٢
صص: ٣٦٨-٣٦٥ISSN: 2251-6972
E-ISSN: 2645-5196

DOR: 20.1001.1.22516972.1401.30.55.12.9

١. طالبة دكتوراه في تخطيط المناهج ، فرع مراند ، جامعة آزاد الإسلامية ، مرند ، إيران.

٢. المؤلف المسؤول: أستاذ مساعد ، العلوم التربوية ، كلية العلوم الإنسانية ، فرع مراند ، جامعة آزاد الإسلامية ، إيران.

Dr.ranjdoust@gmail.com

٣. عضو متفرغ في هيئة التدريس بجامعة آزاد الإسلامية ، فرع يوناب.